

پیش‌خواب

«**قطعه‌نامه‌های راهپیمایی‌های انقلاب اسلامی**»

در آیینه یک اثر نوانتشار

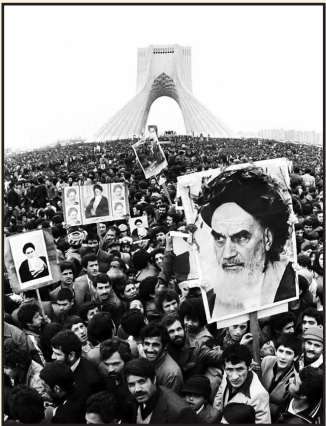
ترجمانی‌از آرمان‌های تاریخی یک ملت

■ **شاهد توحیدی**

در هر رویداد اعتراضی یا انقلابی در جهان امروز، قطعه‌نامه‌ها آیینه تمام نمای خواسته‌های معترضین و انقلابیون هستند. در انقلاب اسلامی ایران نیز در پایان

هر راهپیمایی، قطعه‌نامه‌هایی برکنته قرائت می‌شد

که مروری بر آنها می‌تواند انعکاس‌دهنده آرمان‌ها و مطالبات مردم ایران قلمداد شود. سوگمندانه این مجموعه گرانتسگ تا چندی پیش و به شکل پراکنده در مطبوعات یا برخی کتاب‌ها یافت می‌شد، اما چندی پیش مجموعه نسبتاً جامعی از آنها از سوسی حمیدرضا دالوند جمع‌آوری و به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی راهی بازار نشر گردید. بر تارنمای ناشر یادداشتی کوتاه آمده است که محتوا و مضمون اثر را بازنمایاند: «کتاب قطعه‌نامه‌های راهپیمایی‌های انقلاب اسلامی از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار کتاب شد. چنانکه از عنوان کتاب پیداست این مجموعه قطعه‌نامه‌های صادر شده در راهپیمایی‌های دوران انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. بی‌شک این قطعه‌نامه‌ها برآمده از متن حرکت مردمی بوده و بررسی آن موجب معرفت نسبت به وقایع و رویدادها می‌شود. در این اثر حدود ۸۰۰ برگ از اسناد قطعه‌نامه‌های صادره در سال‌های ۱۳۵۷–۱۳۵۶، از مطبوعات و آرشیوها گردآوری و بررسی شده‌اند. بررسی انجام شده در دو زمینه می‌باشد: ۱- قطعه‌نامه و ساختار آن و ۲- محتوای قطعه‌نامه‌ها. در بخشی از مقدمه این کتاب می‌خوانیم در لابه‌لای اسناد و مدارک تاریخ معاصر ایران، اوراقی ناخواسته به چشم می‌خورد که



۱۳۵۷. تهران،نمایی از راهپیمایی عظیم روز عاشورا، در میدان آزادی

بررسی‌ها و جست‌وجوهای مضاعفی را می‌طلبد.از این اوراق گاه مدت زمانی طولانی می‌گذرد و گاه به رویدادهایی معطوف است که به لحاظ کرونولوژیک چندان از ما دور نیستند. در این میان بسیاری از حوادث و رویدادها یا به دلیل برخورداری از ویژگی موضوعی و حساسیت تاریخی یا به خاطر نقشی از افرادی خاص در آنها ایفا کرده‌اند یا ردیابهایی از توطئه و مکر دشمنان پیدا و پنهان بر جای مانده است، مشمول مرور زمان نمی‌شوند و از حیثیه‌توجه تاریخ‌نویسان و پژوهندگان خارج نمی‌گردند... بخشی از اسناد منتشرشده در این مجموعه از مطبوعات آن دوره جمع‌آوری شده و بخش دیگر از آرشیوها استخراج شده است. کتاب قطعه‌نامه‌های راهپیمایی‌های انقلاب اسلامی به تدوین حمیدرضا دالوند در ۹۶۰ صفحه به قیمت ۱۱۰ هزار تومان در دسترس محققان، پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گرفته است. برای تهیه این کتاب ضمن رجوع به صفحه منشورات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، می‌توانید به فروشگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی واقع در خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین بعداز شهادی ژاندارمری مراجعه کنید...»

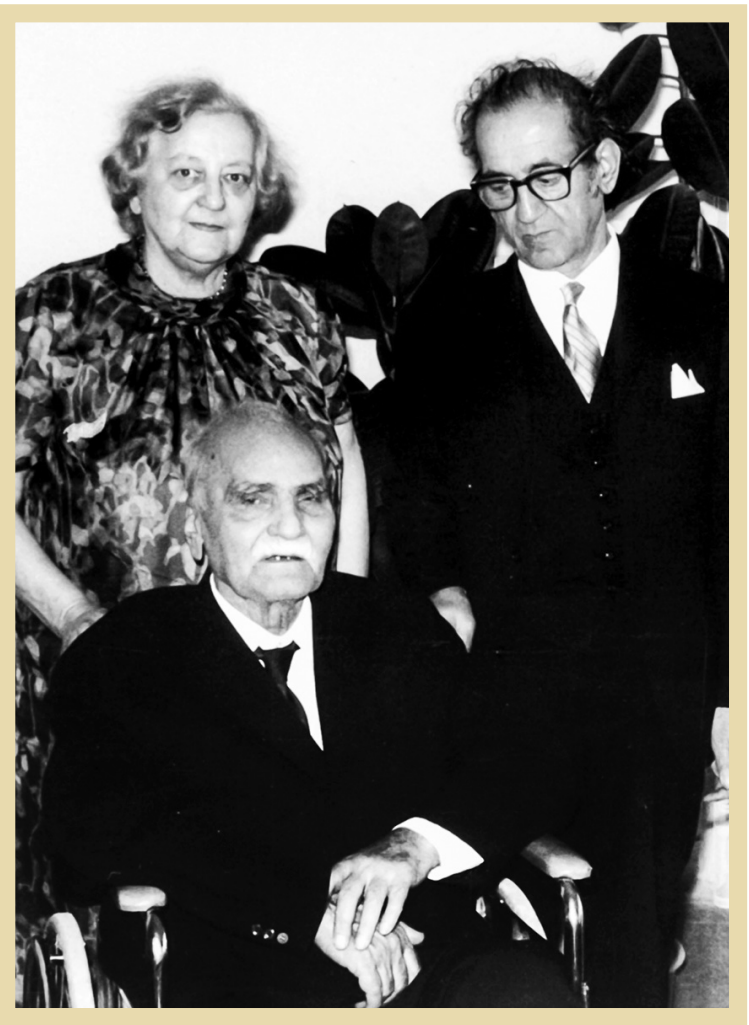
همین سایت در اشارتی دیگر، در باب اسناد ارائه شده در این مجموعه اضافی به این ترتیب دارد: «آنچه در این اثر گرد آمده به دو بخش قابل تقسیم است: بخشی که از مطبوعات گرفته شده است و بخشی دیگر از مراکز آرشیوی. بخش مطبوعات، نزدیک به ۹۰ درصد مجموعه را دربردارد و بخش دوم سهم ناچیز ولی بااهمیتی را داراست. مطالب برگرفته از مطبوعات پیش از آنکه قطعه‌نامه باشند اخبار قطعه‌نامه‌ها هستند،ولی آنها را تنها به علت دارا بودن مهم‌ترین ویژگی قطعه‌نامه، یعنی خواسته‌های جامعه‌ای معین به عنوان قطعه‌نامه به شمار می‌آوریم، حتی اگر در برخی موارد با عنوان بیانیه، اطلاعیه یا خواسته از آنها یاد شده باشد. بخش دوم یعنی اسناد آرشیوی، به علت حفظ اصالت هم در تعریف و هم در ویژگی‌های ساختاری، قطعه‌نامه‌های کامل و نمونه‌ای هستند...»

■ **مریم صادقی‌بری**

زن یکی از پایه‌های اساسی تشکیل‌دهنده خانواده در همه جوامع است.
دول استعماری خیلی زود در فرآیند شرق‌شناسی خود به این مهم باور یافتند و برای نابودی زن ایرانی، سیاست مهم با عفاف‌زدایی را در پیش گرفتند. برای اجرای این امر، دو گروه از جریانات طرفدار غرب در داخل کشور به میدان آمدند. در این میان می‌توان از جماعت ترکیبی: روشنفکر، بهایی، ازلی و فراماسون در مقابله با حجاب نام برد. در کنار این‌عناصر، افرادی مذبذب، سطحی‌گر و بی‌قید و بند هم هستند که به عنوان سواره نظام استعمار، مچری نقشه‌های آنان به شمار می‌آیند.
مقال پی آمده به بررسی عملکرد این‌عناصر برای هویت‌زدایی از زن ایرانی می‌پردازد.
امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.
■ ■ ■

■ **«وطن پرستی» به شیوه آخوندزاده، آقاخان کرمانی و تقی‌زاده**

در زمانی که غرب در پی انجام فرآیند اسلام‌زدایی در ایران بود، روشنفکران به خصوص طیف تحصیلکرده در اروپا به عنوان ترویج تجددخواهی و گسترش فرهنگ غربی در ایران فعالیت می‌کردند. این گروه یکی از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی ایران را اصول حاکم بر نظام حقوقی و فرهنگی جامعه می‌پنداشتند و چرا از کشورهای اروپایی می‌دانستند و این را با اجتماعی ایران تنها راه پیشرفت یا تقلید پی‌چون و چرا از کشورهای اروپایی می‌دانستند و این را با تمامی توان تبلیغ می‌کردی. این فرآیند ادامه داشت تا فتره رفته دوران مشروطه از راه رسید، بسترهای مساعد بیشتری برای پیاده کردن این فکر فراهم



خرداد۱۳۴۸،سیدحسین تقی‌زاده در کنار همسر خودش ومجتنبی میونی

د

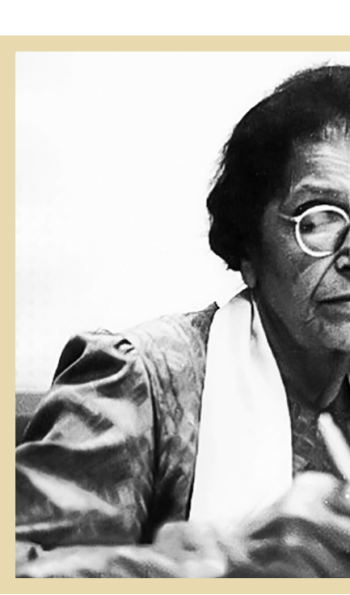
تقی‌زاده را پدر ثنوریک ملی‌گرای لائیک و غیرمذهبی ایران می‌دانند به نظر او «وظیفه اول همه وطن‌پرستان ایران، قبول و ترویج تمدن اروپا بلاشرط و قید و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و تربیت و علوم و صنایع و زندگی و کل اوضاع فرهنگستان است بدون هیچ استثنا. به سخن دیگر ایران باید ظاهرأ، باطنا، جسماً و روحاًفرنگی مآب شود و پس»

ابتدال دعوت به کشف حجاب، از سیدحسین تقی‌زاده تا فتنه‌های معاصر

نام‌های مادر و حیا را در ایران بی‌مفهوم می‌کنیم!

گشت و شخصیت‌هایی مانند سیدحسین تقی‌زاده با کمک نشریات،انجمن‌های مخفی و سفارتخانه‌ها رهبری آن را عهده‌دار شدند. تقی‌زاده را پدر تئوریک ملی‌گرای لائیک و غیرمذهبی ایران می‌دانند به نظر او «وظیفه اول همه وطن‌پرستان ایران، قبول و ترویج تمدن اروپا بلاشرط و قید و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و علوم و صنایع و زندگی و کل اوضاع فرهنگستان است بدون هیچ استثنا. به سخن دیگر ایران باید ظاهرأ، باطنا، جسماً و روحاًفرنگی مآب شود و پس»^(۱)براساس این خط مشی، باید ارزش‌های وارداتی غربی مانند آزادی و دموکراسی وارد نظام سیاسی شود تا هدف فراماسونری، یعنی حکومت بدون دین تحقق یابد. لذا یکی از مهم‌ترین مظاهر دینی یعنی حجاب، مورد حمله شدید قرار می‌گیرد: «ادمی آزاد و مختار خلق شده و زنان ایران از نوع خود مجزا شده و خود را در هیکل موحد سیاه عزا درآورده، نامانده در زندان تاریک و در زنجیر اسارت روزگار به سر می‌آورند. این نیست مگر از عوارض تربیت نیافتگی و از ضرر حجاب، اما بنگرید به مغرب که زنان حق‌طلب...چه قسم از خود دفاع کرده و حقوق خود را با چه جدیتی می‌طلبند... و تا چه درجه‌ای هم به مقصود خویش رسیده‌اند و آرزو می‌کنند زنان ایران هم از پرده بیرون آیند و آزاد گردند...»^(۲)از میان متقدمان و پیشگامان تبلیغ تفکر غربی، می‌توان از میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی نام برد. آخوندزاده بیش از دیگران در اهانت به روحانیت شیعه و دین‌مبین اسلام، هتاک و صریح‌اللیجه بود. وی در «رساله مکتوبات»، دشمنی خود را با دین اسلام و روحانیت و اساس هر نوع رویکرد دینی آشکار کرد.^(۳)یکی از شاخصه‌های اعتقادی و سنتی مورد حمله در تفکر آخوندزاده، حجاب زنان است. وی می‌نویسد: «کسانی که از ایمان اخلاف ما در دین اسلام بانی

بودند...»^(۴) در این میان نشریات زنانه قصد داشتند، مستقیماً و هر چه بیشتر و سریع‌تر، زنان را با فرهنگ غرب آشنا کنند و آنها را به این شیوه زندگی عادت دهند. در این راستا و در سال ۱۲۸۹ش اولین نشریه زنان به نام دانش توسط خانم کحال در تهران و در سال ۱۲۹۲ش دومین نشریه زنان به نام شکوفه توسط خانم مزین السلطنه منتشر شد. بعد از آن بود که روند انتشار اینگونه نشریات شدت یافت. مهم‌ترین موضوعات مندرج در نشریات زنانه موارد زیر بودند:



صدیقه دولت‌آبادی

کرد. با نشر این اشعار، علما و متدینین مشهد و دیگر شهرها به اعتراض برخاستند و او ناگزیر به تهران آمد. ورود ایرج میرزا در تیر ۱۳۰۳ به تهران، با استقبال تعدادی از زنان طرفدار بی‌حجابی مواجه شد که برای تشکر از سرودن اشعار رفع حجاب و آزادی نسوان تجمع کرده بودند.^(۵) در این میان نشریات زنانه قصد داشتند، مستقیماً و هر چه بیشتر و سریع‌تر، زنان را با فرهنگ غرب آشنا کنند و آنها را به این شیوه زندگی عادت دهند. در این راستا و در سال ۱۲۸۹ش اولین نشریه زنان به نام دانش توسط خانم کحال در تهران و در سال ۱۲۹۲ش دومین نشریه زنان به نام شکوفه توسط خانم مزین السلطنه منتشر شد. بعد از آن بود که روند انتشار اینگونه نشریات شدت یافت. مهم‌ترین موضوعات مندرج در نشریات زنانه موارد زیر بودند:

الف – ترویج روابط دختر و پسر: نشریه عالم‌نسون در یکی از شماره‌هایش در این باره نوشت: «چرا از یک دختر جوانی که با پسری طرح‌دوستی می‌ریزد، جلوگیری می‌کنید؟» **ب –** ترویج فساد و فحشا: همین نشریه در چند شماره بعد در باره ترویج فساد و فحشا نوشت: «به‌دلیل بسیار برای هر مرد و زن خوب است که چندرفیق از جنس مقابل داشته باشد». **ج** – در سال‌های پایانی حکومت قاجار و دوران حکومت پهلوی اول، دو جریان ازلیه و بهاییه نقش مهمی در حجاب‌زدایی در جامعه را به عهده داشتند. در میان آنها می‌توان از صدیقه دولت‌آبادی خواهر یحیی دولت‌آبادی (ازلی مشهور) نام برد. وی در سال ۱۲۹۸ش مجله «پایان زنان» را منتشر کرد که در آن با درج مقالاتی حجاب زنان را از موانع پیشرفت آنان دانست.^(۶) البته جامعه مذهبی ایران در مقابل این تهاجم به ارکان اعتقادات دینی‌شان ساکت ننشستند و به طور مثال بانو امین اصفهانی در شهر اصفهان به مقابله فکری باشبهه‌افکنی‌های دولت‌آبادی پرداخت که منجر به فرار نامبرده از این شهر شد. در همین ایام، عباس افندی رهبر دوم بهائیت با انتشار پیامی پیروان خود را از اسفاهن حجاب منع کرد.^(۷)حضور چندین مبلغ زن امریکایی در ایران به دستور عباس افندی و فعالیت‌های افرادی مانند فخر دین پارسای و همسرش فخرآقا با انتشار مجله «جهان‌زان» از جمله اقدامات تشکیلات بهائیت در راستای عادی‌سازی کشف حجاب در ایران بود.^(۸)

علی‌اصغر حکمت در یادداشت‌های روزانه‌اش در ۲۵م‌رمضان ۱۳۳۳، در گفت‌وگو با یکی از دوستان بهایی‌اش به نقش این مدارس در ترویج بی‌حجابی در جامعه اشاره می‌کند: «چندی است به موجب امری که از طرف مقامات فوق به بهایی‌ها رسیده است، بهایی‌های طهران گفت‌وگو می‌کنند که این‌سپرده را ندارند جمله غرب‌زدگانی به شمار آورد که خواهان تجدید دوباره تمدن ایران قبل از اسلام بود. وی عامل بدیختی و عقب‌ماندگی ایرانیان را دوری از تمدن و فرهنگ غربی می‌دانست تا جایی که حجاب زنان را مانع پیشرفت ایران تلقی می‌کرد. او در این باره می‌نویسد: «یکی از آنها، حجاب بی‌مروت زنان است. در ایران باستان زنان با مردان شریک زندگی بودند به هم زناده داشتند، حال هزار سال است، زنان ایران مانند بهایی در کوی گازر گاه در یزد، سا کلاه، بدون چادر و غیره پیاده به طرف مرکز شهر و خیابان معلول حرکت کرده، مجدداً به همان ترتیب به محل اولیه مراجعت کردند. این عمل شجاعانه و بی‌تغلیز بانوان بهایی باعث شد که خانم‌های مسلمان به‌تدریج جرئت یافته و ناسی به هموعان به اصطلاح کافر خود نمایند و حجاب را به کنار گذارند...»

■ **پیشقراولان کشف حجاب در ایران**

در این بخش از مقال، سخن از عناصری است که از دوران حکومت پهلوی دوم، برای برداشتن قیبح حجاب و حجاب‌زدایی در جامعه فعالیت چشمگیری داشته‌اند. در دهه ۲۰ و ۳۰ مدیران مجلات اجتماعی – که در واقع به چاپ نشریات زرد اقدام می‌کردند– به عنوان پیاده نظام استعمار در ایران، مشغول حیا و عفاف‌زدایی از جامعه ایرانی بودند. برای نمونه می‌توان از مجله سپید و سیاه و مجله خواندنی‌ها نام برد.

در مرحله بعد تهیه‌کنندگان و کارگردان‌های سازنده فیلم‌های مبتذل فارسی از سرمردان این جریان هستند که حتی پا را از مسئله کشف حجاب بیرون نهاده و رسماً مرجان فساد و فحشا در جامعه شدند. «فیلم فارسی» ژانری مبتذل بود که در آن نه سوسیه‌های اخلاقی و انسانی وجود داشت و نه حتی زیبایی‌شناسی هنری، بلکه فقط و فقط در آن نمادها و انگاره‌های جنسی و مفسده‌انگیز بهره گرفته شده بود. روزنامه رستاخیز که در آن زمان داعیه‌دار بررسی و تحلیل سینمای ایران بود تا حد زیادی به بحث ابتدال و رواج آن بها می‌داد.

در یکی مقالات این روزنامه آمده است: «یکی از چیزهایی که دست و پای بازیگران ما را می‌بندد و مانع پیشرفت آنهاست، چیزی است که در اجتماع اسمش را ابرو گذاشته‌اند. اگر یک بازیگر در یک صحنه بخواهد به فکر آبرویش باشد، بازیگری است بی‌آبرو. عامل دیگری که دست و پای بازیگر ایرانی را می‌بندد، نجابت است...». به طور نمونه مهدی میثاقیه از افراد بهایی بود که علاوه بر تهیه‌کنندگی فیلم و ریاست اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران، مؤسس دو استودیو کاروان فیلم (۱۳۳۲) و میثاقیه (۱۳۳۸) بود. او در کنار اسماعیل کوشان، در این عرصه قدرت و نفوذ زیادی پیدا کرد. این

۹۶۷۵۴ | روزنامه جوان | شماره ۶۷۵۴

جماعت به اصطلاح هنری، کار را در حمله به اعتقادات اسلامی به جایی رساندند که رسماً با ساخت فیلم‌هایی همچون محلل، اصول قرآنی را هجو و به سخره گرفتند و به مقدسات دین اسلام توهین می‌کردند.

■ **هدف، نابودی مادر و خانواده ایرانی**

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با کوتاه‌شدن دست عوامل استعمار برای حمله به حیا و عفت زن ایرانی و نابودی انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی سیاست تهاجم فرهنگی به ارزش‌های دینی آغاز کردند. این دشمنان برای پیشبرد سیاست هجمه به ارزش‌ها، از به اصطلاح هنرمندان زمان شاه و متشکل کردن آنها در قالب گروه‌های هنری در امریکاپره بردند. به این شکل که خوانندگان، بازیگران و راقصه‌ها، مجری اوامر آنها شدند. برای مثال شهرام شب‌پره خواننده لس‌آنجلسی، در ترانه‌ای با عنوان «دختر چادری چادرت را بردار»، علناً به تبلیغ حجاب‌زدایی از بانوان ایرانی می‌پردازد. حملات سه دهه‌ای دشمنان نظام به ارکان فرهنگی و اعتقادی ایرانیان، اگر چه هیچ‌گاه نتیجه‌سورده نظر و دلخواه آنها را نیافت، اما موجب شد برخی از افراد سست عقیده جذب این تفکر شده و خویش را با آن تطبیق دهند.

تلاش این جریان تا به امروز ادامه دارد. به گونه‌ای که در ناآرامی‌ها و اغتشاشات سال ۱۴۰۱ش – که به بهانه مرگ مهسا امینی در کشور به وجود آمد– برخی از بازیگران زن به برداشتن حجاب‌های خود دست زدند و با فروکش کردن ناآرامی‌ها، برای گرم نگهداشتن آتش فتنه‌طلبی خود این روند را ادامه داده‌اند. آنها آگاهانه یا ناآگاهانه، مجری سیاست‌های بهائیت و دشمنان اسلام در داخل ایران شده و همان حرف‌ها و رویکردها را تکرار و تبلیغ می‌کنند. چنانکه عناصر یهودی و بهایی فعال در رسانه‌های معاند در خارج از کشور سال‌هاست که به دنبال اجرای این سیاست در جامعه مسلمان ایران هستند. رابرت مرداک رئیس شبکه فارسی وان، سال‌های قبل به اجرای این برنامه اعتراف کرد: «برای نابودی ایران، باید در خصوص کلمه مقدسی به نام خانواده هزینه کرد و من قصد دارم تا موضوع مادر را در دستور کار خود قرار دهم. در ایران مادر خانواده همه چیز را مدیریت می‌کند و اگر مادر را به لجن بشکیم، تمام این جامعه به لجن کشیده خواهد شد. قصد این مجموعه رسانه‌ای آن است که تا سال ۲۰۲۰ واژه‌ای به نام مادر و حیا را در ایران بدون مفهوم کنند!..»

■ **کلام آخر**

نسخه‌ای که غرب برای ایران پیچیده است، نتایج آن سال‌هاست که گریبان‌گیر جامعه غربی است. محصول شعار آزادی در جوامع غربی، از بین رفتن بنیان خانواده، بی‌حرمت شدن زن در آن دیار و افزایش آمار تولد فرزندان حرام‌زاده بوده است. چنانچه ونڈی شلیت متفکر و نویسنده امریکایی در کتاب «دختران به عفاف روی می‌آورند»، ضمن بیان نتایج گسترش بی‌بند و باری، فساد و فحشا در امریکا تلاش می‌کند تا خانواده و زن را به فطرت خویش، یعنی رعایت عفاف، حیا و حفظ بنیان خانواده برگرداند. وی معتقد است: «پوشش مناسب باعث می‌شود، توجه انسان به حقایق معطوف گردد، ما به ارزیابی‌های سطحی دیگران خو گرفته‌ایم. اعتماد به نفس پایین، عمومی‌ترین مشکل یک زن پست‌مدرن است. پوشیدن لباس رسمی‌تر علامت این است آنچه در باطن ماست، ارزش بیشتری دارد...»

تحقیقات این کتاب و برخی دیگر از آثار منتشر شده در این کتاب، نشان از شکست سیاست حیا‌زدایی و رواج بی‌بندوباری در این کشور است. چنانکه جریان‌ها و گروه‌های خودجوش، برای مقابله با آن به وجود آمدند. این فرآیند در حالی جریان یافته است که عده‌ای حیا‌زدایی از زن ایرانی را در دستور کار خویش قرار داده و آن را با تمامی وجود مورد حمایت نظری و عملی قرار داده‌اند.

■ **منابع:**

- ۱- «کاو-ش ۳۶، سال ۱۳۹۹، *نقل از هویت، ص ۱۵۱*.
- ۲- *خاطرات تاج السلطنه*، ص ۹۹، به کوشش منصوره اتحادیه.
- ۳- *شهریار زرنشاس، نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران*، ج ۲، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۴، صص ۲۰–۱۸
- ۴- *فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، ص ۱۱۸.
- ۵- *فریدون آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی*، صص ۱۹۵–۱۹۴.
- ۶- *فاطمه عزیزی، «زمینه‌های فرهنگی و ادبی کشف حجاب در ایران: شعر موافقان و مخالفان»، مجله علوم اجتماعی – جامعه‌شناسی ایران-*، دوره دوم، بهار ۱۳۸۸ش، شماره اول، ص ۱۱۱ تا ۱۱۵.
- ۷- *محمدحسین سررشته‌پناه، «هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی»- از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، نشر پیام امروز، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵.
- ۸- *محمدحسین رجیبی، مشاهیر زنان ایرانی و پارسایی‌گوی از آغاز تا مشروطه*، تهران: سروش، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲.
- ۹- *فضل‌الله منبئی(صبحی)، خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایگبری و بهایی‌گری*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۴۹.
- ۱۰- *احمد الهیاری، بهائیت در عصر پهلوی*، نیمه پنجم، ج ۳۱، تهران: کیهان، ۱۳۸۷، ص ۵۹؛ *هنگ بدیع*، ص ۲۴، ش ۱۰، ج ۱۳۸، ۱۳۸۴، ص ۳۳۴.